نشریه علمی ـ پژوهشی فرهنگستان علوم پزشکی
سال اول، شماره اول، بهمن ۱۳۹۶

تأملی بر واژه سلامت معنوی

نویسنده: دکتر مهدی مشکی[۱]

چکیده

زمینه و هدف: از زمان شکل‌گیری جریان سکولاریسم در غرب ارزش‌ها، تفکرات، مفاهیم، و ... زیادی وارد کشورهای اسلامی شد و در مواردی جامعه اسلامی را ناخواسته در چالش قرار داد. هدف این مجموعه نقد و بررسی واژه سلامت معنوی[۲] است. که در دهه‌های اخیر وارد ادبیات پزشکی کشور شده است. کنکاش درباره معنی و مفهوم این واژه و رابطه آن با اسلام و در نهایت ارائه پیشنهادی جهت مقید کردن آن به واژه" اسلامی" با طرح سه دلیل.

روش‌کار: در تهیه مجموعه از روش مقاله تحلیلی-توصیفی استفاده شده و سعی دارد با تبیین معنویت و سلامت معنوی آنرا بررسی و نقادی کند.

یافته‌ها: واژه"معنویت" چه در ادبیات لاتین و چه در ادبیات فارسی قابلیت جمع با واژه «سکولار» و تفکر سکولاریسم را دارد.و واژه ترکیبی"سلامت معنوی" نیز دچار ابهام و قابلیت جمع با سکولاریسم را دارد.

نتیجه‌گیری: واژگان انتزاعی بستر تفکر و حامل معنای فکری، اعتقادی، ارزشی و ... تولیدکنندگان و به‌کارگیرندگان خود می‌باشند. بنابراین جهت احتراز از سوء برداشت و استقلال در تولید واژگان و خروج از حالت انفعال نسبت به تمدن سکولار غرب واژه"سلامت معنوی اسلامی[۳] پیشنهاد می‌شود.

کلیدواژه‌ها: اسلام، سلامتی، معنویت

مقدمه

یکی از امتیازاتی که قرآن‌کریم درباره انسان بیان می‌فرماید و آن‌را موهبتی از جانب خداوند به انسان می‌داند؛ صفت «بیان» است. "علمه البیان" و شاید بتوان مدعی شد که این ویژگی ممتاز مخصوص انسان است.چنانچه اهل لغت گفته‌اند «بیان» به معنای ظاهرکردن معنا در قالب کلام است (۲). که در برخی موارد به این ویژگی زبان هم اطلاق می‌شود. زبان یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است.

تکلم و گفتار نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است(۲). و هر انسان سالمی به‌طور خودکار این توانایی (زبان و گفتار) پیش‌داده از جانب خداوند متعال را در قالب نشانه‌های آوایی معین ـ به تناسب جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ـ می‌ریزد(۳).

انسان تنها آنچه از بیرون دریافت می‌کند به ذهنش منتقل نمی‌کند بلکه از آن مفهوم می‌سازد یعنی آن را قابل فهم می‌کند

۱. عضو گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی
۲. Spiritual Health
۳. Islamic Spiritual Health

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]

و این یکی از ویژگی‌های تمام موجودات واجد نفس است، اما ویژگی انسان این است که آنچه را فهمیده و در ذهن آورده به‌صورت الفاظ و کلمات و جملات در می‌آورد تا قابلیت انتقال به دیگران را پیدا کند و این همان علمی است که خداوند به انسان عطا کرده است. بنابراین انسان در این فرآیند، یعنی: ۱-توجه به خارج و تبدیل آن به امری قابل درک (مفهوم) و۲- تبدیل مفهوم به امری قابل انتقال (واژه و جمله) دو کار تولیدی انجام می‌دهد. تولید «مفهوم» و تولید «واژه» و یا تبدیل شیء خارجی به مفهوم و تبدیل مفهوم به واژه، که در هر صورت چیزی که نبوده ایجاد شده است.

انسان در فرآیند تولید «واژه» دیگران را در فهم و تبیینش از جهان شریک می‌کند و به یک معنی دیگران را وارد تفکر خود می‌کند. نکته مهم این است که انسان چه درست فهمیده باشد و چه غلط می‌تواند از طریق "واژه" فهم خود را به دیگران منتقل سازد. البته نمی‌توان درستی یا غلطی فهم وی را فهمید و برای این امر به دانش‌های دیگر نیاز است و خود واژه نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد ولی لفظ و واژه این قدرت را دارد که ذهن مخاطب را به طرفی بکشاند که گویند لفظ اداره کرده است.

این واقعیت را نمی‌توان نادیده انگاشت که کاربرد الفاظ به‌ویژه الفاظی که به حوزه باورها و ارزش‌ها تعلق دارند، در ظرف و موقعیت استعمال مستعملان با لحاظ معنای اصلی، خصوصیت ویژه‌ای را نیز می‌گیرند(۳). از این رو مفهوم «خداوند» در قرآن و جهان‌بینی اسلامی و اندیشه عقلی ـ دینی مسلمانان متمایز است از تعریف و برداشت از خداوند در نگرش‌های دیگر. همچنین است مفاهیم دیگری آزادی، جهاد، شهادت و جز این‌ها(۴).

می‌توان ادعا کرد که جهان‌بینی و تفکر می‌تواند در تولید واژه دخالت کند و واژه نیز قدرت انتقال تفکر را دارد، به‌خصوص واژگانی که بر حوزه باورها و ارزش‌ها تعلق دارند و به‌ویژه واژگانی که به نوعی ابهام دارند و می‌توان از آن معانی متفاوتی را برداشت کرد.

یافته‌ها

سلامت معنوی (محتوا و واژه)

چنانچه گفته‌اند ماهی هنگامی از آب سؤال می‌کند که در «آب» نیست و از آن فاصله گرفته است؛ این ویژگی هر موجودی نسبت به آنچه از دست داده است. یک شئ هنگامی مسئله می‌شود که غایب شده باشد و به خاطر حاضر نبودن آن انسان یا هر موجود دیگری برای یافتن آن به دنبال راه حل می‌گردد.

طرح مسئله "سلامت معنوی" زمانی مطرح شد که انسان مدرن از آموزه‌های دینی فاصله گرفت و به تدریج دچار تنش‌های روحی-روانی شد و به تعبیر دقیق‌تر حیات انسانی و حقیقی خود را فراموش کرد و غرق در دنیا و مادیات گردید.

از قرن پانزدهم جریانی در غرب شکل گرفت که ویژگی مهم آن قطع توجه بشر از عالم غیب و خداوند و توجه تام به دنیا و مادیات بود و چنانچه خود غربی‌ها اذعان می‌کنند ویژگی رنسانس در گسترش بی‌سابقه دنیویت و سکولاریسم (۵) و تغییر علاقه انسان از جهان دیگر به زندگی دنیوی بود (۶). نتیجه این جریان انقلاب بر ضد اخلاقی بود که امور آخرتی و کار برای خداوند را اهمیت می‌داد، در این جریان سکولاریتی آموزه‌های دین اعتبار و اهمیت خود را از دست داد، مگر دین دنیاپرستی که معتبر بود (۷).

نهضت‌های به‌اصطلاح اصلاح‌طلب مانند اومانیسم رنسانس، مکتب لوتری (پروتستان)، همه عوامل سکولارکننده درون مسیحیت بودند که ایمان و عمل را از مفاهیم الهی جدا کردند و اعتقاد امور روحانی و مقدس را به شدت کاهش دادند (۸). به‌گونه‌ای که قطع ارتباط میان خداوند و انسان به تلاش چندان زیادی نیاز نداشت (۹).

به‌همین جهت مک اینرنی تصریح می‌کند که عصر مدرن زمانی آغاز شد که بشر تلاش کرد تا تفکر و جهان‌بینی خود را از دین رها کند (۱۰) این موج بی‌دینی و قطع ارتباط با عالم غیبت و خداوند در قرن هجدهم و نوزدهم به اوج رسید، در حالی که هنوز انسان غربی سرمست از دنیا و امیال نفسانی متوجه نشده بود که چه بلایی بر سرش آمده. توهم می‌کرد که جهانی را ساخته است که می‌تواند به تمام امیال نفسانی‌اش برسد، و بالاتر این‌که فکر می‌کند انسانیت انسان هم همین است. غافل از این‌که نسوا الله فانساهم و انفسهم، نمی‌دانست که انسان بدون خدا نمی‌تواند زندگی خوشی داشته باشد و به‌قول حافظ:

دل بی‌جمال جانان میل جهان ندارد
هرکس که این ندارد حقا که آن ندارد

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]

آن‌چنان بین خودش و خدا حجاب مادی و دنیوی انداخته بود که در هیچ بخشی از زندگی خدا را نمی‌دید و هر چه ساخته و پرداخته بود اعم از علم، اقتصاد و سبک زندگی، همه نشان از عالم طبیعت و ماده داشت و «خداوند» به کل از زندگی وی غایب شده بود.

اما این سرخوشی و سرمستی که نفس‌اماره و شیطان‌رجیم انسان را به آنجا کشانده بودند دوام چندانی نیافت.

قرن بیستم که با وعده‌های درخشان شروع شده بود و درصدد بود که با علم در خدمت انسان تمام مشکلات بشر را برطرف سازد، پس از گذشت چهارده سال از آغاز آن، خونین‌ترین جنگ تاریخ بشر را به ارمغان آورد. آمریکا که از آن جنگ دور بود و هنوز با خوش‌بینی تصور می‌کرد که این جنگ پایان جنگ‌ها خواهد بود، پس از بحران اقتصادی ۱۹۲۹ شروع به تفکر نمود(۱۱). رئیس‌جمهور هوور[۴] پیوسته وعده می‌داد که روزهای کامرانی فرا خواهد رسید ولی وعده‌ها عملی نمی‌شد. سپس جنگ جهانی دوم و بمب اتمی و خطر دایمی جنگ جهانی سوم پدیدار شد. همه فهمیدند که قرن بیستم طلوع مدینه فاضله[۵] نیست. در این زمان‌ها بود که آرام آرام بحران جدایی بشر از خداوند و جهان‌بینی سکولار خود را نشان می‌داد. هوارد اسپرینگ[۶] در یکی از کتاب‌های خود با در نظر گرفتن وضع جهانی در ۱۹۴۰ و با نگاه به زندگی گذشته طولانی خود می‌گوید که دنیای ۱۹۴۰ با دنیایی که وی در آن بزرگ شده بود تفاوت‌های فاحشی دارد. در زمان جوانی وی «هر نوع کار نیکو امکان داشت» ولی در دنیای سال ۱۹۴۰ «هر نوع شرارت و وحشیگری و خیانت و بی‌وفایی ممکن می‌باشد».

انسان جدید دچار گمراهی شد و کلمه «اضطراب» از مهمترین مباحث روانشناسی گشت. انسان کوشش نمود که دنیا را دوباره به وضع عادی برگرداند. ولی کسانی که با جریان تاریخ بشر آشنایی داشتند متوجه بودند که این وضع غیرعادی دیگر عادی شده بود و در دنیای جدید کارهایی که در گذشته نیکو محسوب می‌گردید، غیرعادی شمرده می‌شد.

سؤالی که در همان زمان‌ها از سوی متفکرین مطرح می‌شد این بود که بزرگ‌ترین احتیاج دنیای ما عبارت است از زندگی برادروار پس چرا مردم با یکدیگر مثل برادر زندگی نمی‌کنند؟ (همان) در مجله ریدرز دایجست[۷] مورخ ژانویه ۱۹۴۹ مقاله‌ای تحت عنوان «خدا و مردم آمریکا» انتشار یافت. این مقاله نتایج یک نظرخواهی عمومی در کشور آمریکا را در باب مسائل دینی گزارش کرده بود. به این سؤال که آیا به وجود خداوند اعتقاد دارند یا نه، نودوپنج درصد مردم پاسخ «آری» داده بودند. لکن در پاسخ به این سؤال که چرا آنان تلاش می‌کنند تا زندگی خوبی داشته باشند، فقط بیست‌وپنج درصد از آنان دین را به‌عنوان یکی از ملاحظات برشمرده، مطرح کرده بودند. در جواب این سؤال که آیا دین به نحوی در سیاست یا در حرفه و شغلشان تاثیر گذارده یا نه، پنجاه‌وچهار درصد پاسخ «خیر» داده بودند. جناب کشیش دکتر گرینبرگ[۸] با تحلیل این نظرخواهی سراسری اظهار کرد «مردم علی‌الظاهر خداوند را مستقیماً با اعمال و رفتار خود پیوند نمی‌دهند(۱۳).

متفکرین بسیاری در غرب برای حل مشکل فکری و بحران به‌وجود آمده وارد صحنه شدند تا مشکلات بشر رفاه‌زده و دنیازده عصر مدرن را حل کنند (کی یر کگارد، کارل بارت، رودلف یولتمن، پل تیلیک و...) اما به نتیجه نرسیدند. این بحران فکری، به تدریج در مسایل جسمی و مادی غرب هم تأثیر گذاشت و تبدیل به بحران سلامت شد. غرب مشاهده می‌کرد که برای مردم کشورش نوعی رفاه مادی آورده است اما مشکلات روحی زیادی در آن‌ها وجود دارد. این مشکلات به حدی زیاد شده بودند که خود به‌وجود آورندگان سکولاریسم متوجه یک خلاء عظیم در انسان شدند که سلامت جسمی و اجتماعی وی را نیز تحدید می‌کرد. در اجلاس سالیانه بهداشت جهانی سال ۱۹۸۳ میلادی (۱۳۶۲ شمسی) نماینده نروژ، دکتر ملبای اظهار کرد که حداقل در کشور او، اختلالات بهداشت روانی، مانند اعتیاد به الکل، جنایت اعتیاد به مواد مخدر، انحرافات اجتماعی، مأیوس بودن از زندگی و ترس از آینده دیده می‌شود، در حالی که کشورش دارای موقعیت اجتماعی و اقتصادی بسیار مناسبی است(۱۴). و نیز آرنولد

4. Howard Spring
5. Dew of utopia
6. Howard Spring
7. Reader s Digest
8. Green Berg

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]

تـوین بـی‌متـذکر شـد کـه یـک خـلاء معنـوی در بسـیاری قسمت‌های دنیا و به ویژه کشورهای صنعتی غرب، وجود دارد که سبب عدم ایمنی روانشناختی گسترده شده و اثرات بسیار نامطلوبی در سـلامت جسـمی و روانـی آن جوامـع بـه جـای گذاشته است. این وضعیت در غرب قبل از اظهار دکتر ملبای ایجاد شده بود و به‌همین جهت مفهـوم سـلامت معنـوی در ادبیات بهداشتی و پزشکی جهان ورود پیـدا کـرد و در سـال ۱۹۷۱ توسط موبرگ تحت عنوان بهزیسـتی معنـوی مطـرح گردید.

در سال ۱۹۷۹، سازمان جهانی بهداشت بحثی را عنـوان کـرد که آیا جنبه‌های معنوی[9] را باید در تعریف «سلامت» وارد نمود؟ چند سال بعد افزودن سلامت معنوی[10] به ابعاد جسـمی، روانـی و عوامل اجتماعی سلامت پیشنهاد شد.

این فرآیند را می‌توان در چند شماره خلاصه کرد:

۱. تفکر سکولاریسم و قطع ارتباط انسان غربی با خداوند و عـالم ماوراء و جهان آخرت در زندگی؛
۲. پیدایش بحران‌های روحی و روانی در زندگی اجتماعی انسـان مدرن غربی؛
۳. تأثیر این بحران‌ها بر سـلامت جسـمی و مـادی و اخـتلال در زندگی فردی و جمعی؛
۴. ارائه نظریه‌ای جدیـد بـرای حـل بحـران؛ مطـرح کـردن بعـد چهارمی در انسان به نـام معنویـت و طـرح مسـأله "سـلامت معنوی".

حال سؤالاتی که دراین خصوص می‌توان مطرح کرد و باید به آن‌ها پاسخی دقیق داد، از این قرارند:

۱. نسبت معنویـت بـا سکولاریسـم چیسـت؟ آیـا ایـن دو قابـل جمع‌اند.
۲. چرا سازمان جهانی بهداشت واژه سلامت معنوی را به‌کار برده است. آیا دست‌اندرکاران عصر مدرن و سکولار مقصودشـان از این واژه جنبـه الهـی و خـدایی انسـان اسـت و یـا همچنـان درصدد تثبیت سکولاریسم هستند.
۳. کشورهای اسلامی با تفکرات دینی و اسـلامی بـه‌ویـژه ایـران اسلامی در محتوا و اصل واژه سلامت معنـوی چـه برخـوردی باید انجام دهند.

تبیین واژه سکولار و سکولاریسم

معمـولاً از میـان کاربردهـای واژه سـکولار در کتـب مختلـف می‌توان بر سه واژه تاکید کرد:

الف ـ غیردینی[11]

ب ـ نامقدس[12]

ج ـ اینجایی و اکنونی[13]

این سه واژه در برخی کتـب لغـت در معنـای واژه سـکولار[14] آورده شده است. اما واژه‌ای که در اکثر کتب لغت در معنای لغـت سکولار آمده واژه[15] Worldly است.

اکثر کتاب‌های لغت یا دائره‌المعارف‌ها در توضیح ایـن واژه دو ویژگی را بیان کرده‌اند (۱۲):

۱. غیردینی و بی‌ارتباط با دین
۲. مرتبط با جهان دنیوی و عالم حاضر و اکنون و جدا از عالم غیرمادی

آنچه از توضیح واژه در این کتب به‌دست مـی‌آیـد تقابـل واژه Spiritual با واژه Secular اسـت و در ابتـدای آن مـی‌تـوان نتیجـه گرفت که Spirituality در تقابل کامل با Secularism است.

اما در این تعاریف مشخص نشده است که «غیردینـی» یعنـی چه؛ و به عبارت دیگر چه ویژگـی‌ای دیـن دارد کـه بـا سـکولار و سکولاریسم در تضاد می‌باشد و سؤال دیگر ایـن‌کـه آیـا Spiritual وReligious یکی هستند و هر دو در مقابل Secular قرار می‌گیرند؟

در کتب تخصصی که برخی مشتقات این واژه و رابطه آن را با علم و اخلاق بررسی کرده‌اند ایـن سـؤال پاسـخ داده شـده و نیـز مشـخص شـده اسـت کـه چـرا سکولاریسـم و تفکـر سـکولار بـا «دین»[16] در تضاد است.

ایان باربور در کتاب جستارهایی در باب علم و دین در معنای سـکولار شدن علم چنین می‌گوید: «سکولار شدن شناخت در علم تجربی بـه ایـن معنا است که مفاهیم الهیئتی از تبیین جهان حذف می‌شود (۱۳)».

---

9. Spiritual
10. Spiritual Health
11. Not religious
12. Not sacred
13. At Present
14. Secular
15. Merrain-Webster Advanced learner English dictionary,
۱۶. البته دین وحیانی Revealed Religion

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]

از تعریف وی به‌دست می‌آید که در تفکر سکولار مفاهیمی که مرتبط با ماوراء و عالم الهیئت و به تعبیر دقیق‌تر با «خداوند» باشد نیز در کتاب اسلام و سکولار شدن در خاورمیانه در تبیین سکولار شدن چنین آمده است:

از نظر هاروی کاکس، سکولار شدن به معنی آزادی و رهایی انسان از قید دین و ماوراء الطبیعه است و بازگشت توجه انسان از جهان‌های دیگر به عالم دنیا و طبیعت (۱۴).

در همان کتاب سکولاریسم را چنین توصیف می‌کند:

«نهضتی که در قرن نوزدهم به‌وجود آمد که درصدد بود تا با نظریه‌ای معین و مشخص زندگی و اداره حیات انسان را بدون ارجاع و توجه به خداوند و جهان آخرت سامان دهد.

همچنین در کتاب لغت آکسفورد چنین آمده است: دکترینی که از نظر اخلاقی سعادت را مبتنی بر زندگی این دنیایی می‌کند و تمام نگرش‌ها درباره آخرت را نفی می‌کند.

از مجموع این سه بیان می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. تفکر سکولار و جهان‌بینی سکولاریسم با خداوند و جهان آخرت به‌عنوان دو امری که مرتبط با عالم ماده و جهان طبیعت لحاظ شوند؛ در تضاد است. این تفکر اگر خداوند را هم قبول کند، وجود متعالی خداوند را بی‌ارتباط با عالم دنیا و طبیعت تبیین و تفسیر می‌کند و هرگز حاضر نیست که این جهان و انسان را مرتبط با خداوند بداند.

۲. از آن‌جایی که مدعای اصلی دین اعتقاد به این ارتباط است با دین نیز در تضاد و تقابل قرار دارد و آن‌را رد می‌کند.

اما سؤال دوم: رابطه واژه Spiritual با Secular و Religious.

در کتب لغوی در مقابل واژه Spiritual، معانی متعددی آمده است.

۱. مرتبط با Spirit؛ ۲. دینی؛ ۳. و در معنای Spirit نزدیک به ده معنا آمده است: ۱. تفکرات و احساسات؛ روح مجرد؛ حالت ذهنی، عقلی، نشاط، دلیری؛ و در توضیح دیگری از واژه Spiritual چنین آمده است[۱۵]:

تعلق به معنی یا روح و باطن به گونه‌ای که از طبیعت فیزیکی ممتاز و جدا می‌باشد و مرتبط با ذهن و عقل می‌باشد[۶۳].

در این تعریف واژه Spiritual در مقابل Physical قرار گرفته است و با توجه به معنای دو واژه Secular و Spiritual می‌توان به این نتایج رسید:

۱. سکولار به معنی دنیوی و اصالت دادن به دنیا می‌باشد (Worldly) و در مقابل آن واژه الهی، خدایی(Godly) به معنی اصالت دادن به خداوند و محور قرار دادن وجود متعالی خداوند است، در Worldly، جهان و انسان و تمام آن‌چه سامان بخش زندگی انسان است، بدون خداوند و جهان آخرت تبیین و تفسیر می‌شود و در تجویزها و توصیه‌ها نیز خداوند و جهان آخرت حذف می‌شوند اما در Godly، همه چیز با توجه به خداوند و اراده متعالی خداوند و جهان آخرت، تبیین و تفسیر می‌شوند و تمام بایدها و نبایدها با محوریت خداوند انجام می‌گیرد.

۲. واژه Spiritual در مقابل Physical است نه Secular.

۳. واژه Spiritual مترادف با Religious نیست بلکه می‌تواند با هر دو واژه Scular و Religious جمع شود.

بنابراین می‌توان Spiritual را داخل Worldly تفسیر و تبیین کرد، چرا که کاملاً با Worldly قابل جمع است، یعنی Spiritual بدون خداوند و جهان آخرت.

به این جهت در تعریف واژه ترکیبی Spiritual Health هیچ اشاره‌ای به دین و خدای مرتبط با جهان و آخرت نمی‌شود تا بتوان از آن تفسیری سکولار ارائه کرد:

"یکپارچگی اصولی و اخلاقی و هدفمند در زندگی و احساس تعهد به یک واقعیت برتر"

به‌همین جهت در غرب رویکردهای معنویت‌گرایی وجود دارند که در آن دین طرد می‌شود (۱۵). و معنویت را چیزی می‌دانند که به زندگی انسان معنا ببخشد و وی آن‌را غایت زندگی خود تلقی کند.(همان). شلدارک معتقد است که معنویت برای توصیف مهمترین ارزش‌های مردم که در هیچ نظام منسجم اعتقادی دینی بروز پیدا نمی‌کند به‌کار رفته است (۱۶). این جریان‌ها و سخنان نشان‌دهنده قابلیت جمع معنویت با سکولاریسم است. به همین جهت برخی از نویسندگان نیز دو نوع معنویت را مطرح می‌کنند، معنویت بی‌ارتباط با دین و معنویت مرتبط با دین که معتقد است راه نجات از راه دین اتفاق می‌افتد (۱۷).

در زبان فارسی هم معنویت از معنا و باطن گرفته شده است[۲] و می‌تواند بدون دلالت دینی و الهی تفسیر و تبیین شود، به همین جهت است که افرادی در ایران نیز معنویت‌های

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]

سکولاریستی را مطرح می‌کنند و در تلاشند تا به زعم خودشان انسان معاصر را بدون دین و خداوند و آخرت از بحران‌های دنیای مادی و سکولار امروز نجات دهند و به معنویت مدرن برسانند.

از نظر این افراد معنویت، نحوه مواجهه با جهان هستی است که با این مواجهه، شخص با رضایت باطن زندگی می‌کند و دیگر دچار اضطراب، دلهره و ناامیدی نمی‌شود (۱۸).

۲. از این مطالب پاسخ سؤال دوم به خوبی روشن می‌شود و آن این که مطرح کردن واژه معنوی در بحث بعد چهارم سلامت از سوی سازمان جهانی بهداشت به‌جهت این است که غرب می‌خواهد همچنان مرز خود را با آموزه‌های دینی حفظ کند و مسیر اشتباه رفته را تغییر ندهد. و چون معنویت واژه‌ای است که قابلیت دوسویه دارد، دین و سکولاریسم، تفکر سکولاریستی از این واژه استفاده کرده است، اما دینداران و متفکرین دینی چه وظیفه‌ای دارند؛ آیا ما هم باید هر واژه‌ای که آن‌ها به‌کار بردند استفاده کنیم و کار ما ترجمه سخنان سکولارها باشد؟ آن‌ها که خودشان برای انسان‌ها بحران معنویت و دوری از خدا ایجاد کردند، باید برای ما واژه‌ای هماهنگ با تفکراتشان وضع کنند و ما هم همچنان مقلدین آن‌ها باشیم!!

چرا خودمان واژه تولید نکنیم و در مقابل جبهه فرهنگی سکولاریسم پرچم توحید و اقتدار اسلام را بلند نکنیم؟ به‌قول اقبال لاهوری

من فدای آن که خود را دیده است
عصر حاضر را نکو سنجیده است
غربیان را شیوه‌های ساحری است
تکیه جز بر خویش کردن کافری است

۳. وظیفه متفکرین اسلامی و دلسوزان و دانشمندان دینی:

به نظر نویسنده به چند دلیل واژه «سلامت معنوی» را باید مقید به «اسلامی» کنیم:

مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی تقابل با تمدن سکولار غربی است چرا که برای احیاء دین و تفکر دینی و اسلامی در جهانی که در بند تمدن سکولاریتی است چاره‌ای جز مقابله تمدنی نیست و باید مؤمنین با اتکا به هر دو مقوله دین وعلم به طرف جامعه‌ای حرکت کنند مبتنی بر دانش و عقلانیت دینی که با دانش و عقلانیت کنونی که بر عقلانیت الحادی مستقر است، متفاوت است[۴]. برای احیای تمدن اسلامی و تضعیف تمدن سکولاریتی سه مسأله باید انجام شود:

۱) تأثیرگذاری نه تأثیرپذیری

همان‌گونه تمدن سکولاریستی غرب محتوای مطالب خود را در عنوان می‌آورند، ما نیز باید محتوای مطالبمان را در عنوان بیاوریم، چرا که تأثیر آن در انتقال تفکر بیشتر است. چنانچه در مقدمه آمد، واژگان مخصوصاً واژگان انتزاعی در انتقال تفکر و جهان‌بینی مؤثرند، حال اگر این واژه در عنوان و در مجامع بین‌المللی مطرح گردد تأثیر بسیار زیادی خواهد داشت و مسلماً واژگانی که با تفکر دینی و اسلامی مرتبط می‌باشند در توجه مخاطبان و بسط تفکر دینی کارایی بالایی دارد و این کار از اولین قدم‌های احیای تمدن اسلامی است.

۲) نمادسازی

نماد و علامت، تفکر، ارزش و... را با سرعت به ذهن انسان منتقل می‌کند، در پاره‌ای موارد علائم و نمادها بصورت اشکال رمزی هستند مانند علائم راهنمایی و رانندگی در پاره‌ای موارد حالت تصویری دارند، مانند نقاشی یک شخص یا یک منظره دینی یا الحادی، در برخی اوقات رنگ خاصی صورت نمادین به خود می‌گیرد، مثلاً رنگ سیاه که در عرف مسلمانان علامت عزا است و یا رنگ سرخ و... برخی موارد عدد نماد می‌شود، به هر حال نماد در ادیان و فرهنگ‌های مختلف جایگاه ویژه‌ای دارد چراکه تأثیرگذاری آن بر ذهن مخاطبان بسیار بالا است.

علامه طباطبایی در تفسیر شریف المیزان ذیل آیه ۴۰ سوره مبارکه حج درباره اعلام و شعائر مطلب دقیقی را بیان می‌کنند. در آیه ۴۰ سوره مبارکه حج خداوند می‌فرمایند:

اگر خداوند (شر) برخی انسان‌ها را با برخی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها، مساجد و... که در آن‌ها یاد خداوند انجام می‌گرفت از بین می‌رفتند.

علامه می‌فرمایند:

خداوند در این آیه می‌فرمایند اگر معابد از بین بروند ذکر و

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]

یاد خداوند از بین می‌رود در حالی که اگر دفع انسان‌ها با یکدیگر نبود دین از بین می‌رفت، چرا خداوند به جای دین مراکز دین را بیان می‌کنند؟

در پاسخ می‌فرمایند:

چون این پرستش‌گاه‌ها مراکز و نمادهایی هستند که دلالت بر دین دارند و دین را در اذهان مردم نگه می‌دارند (۱۹).

طبق بیان علامه اگر نمادها و مراکزی که دلالت بر دین دارند نباشند دین هم از ذهن مردم می‌رود. به همین جهت است که علمای دینی بر حفظ شعائر و مراکزی که به‌گونه‌ای دلالت بر دین دارند و به‌صورت نماد دین درآمده‌اند تأکید می‌کردند و سعی داشتند مراکزی مانند حرم‌های اهل‌بیت علیهم السلام، مساجد و... . نه تنها حفظ شوند بلکه نمود و ظهور ویژه‌ای در جامعه پیدا کنند چراکه هر کدام از آن‌ها اتصال عالم ماده را با عالم غیب در تفکر و اعتقادات مردم حفظ و تقویت می‌کنند، و این اعتقاد مهمترین دستاورد دین برای بشر زمینی است.

عرفای اسلامی نیز سعی می‌کردند از پدیده‌های طبیعی برداشت‌های نمادین کنند تا توجه انسان‌ها را به سوی ماوراء و آخرت سوق دهند:

مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو (حافظ)

بنشین بر سر جوی و گذر عمر ببین
کاین اشارت ز جهان گذرا را ما را بس (حافظ)

یکی از اموری که می‌تواند به صورت نماد درآید، مفهوم و واژه هست. به همین جهت تولید واژگان و به‌کارگیری آن‌ها امر بسیار مهم و خطیری است (چنانچه در مقدمه اشاره کردیم) باید بررسی کرد که فلان مفهوم چه چیزی را در اذهان می‌آورد و یا برای بسط تفکر دینی چگونه از واژگان استفاده کنیم. نمی‌توان نسبت به، به‌کارگیری واژگان بی‌تفاوت بود. اکنون که در جوامع و کشورهای مختلف از واژه معنویت استفاده سکولار می‌کنند و این واژه را به‌گونه‌ای برای مقابله با دین به‌کار می‌گیرند، بر ما مسلمانان لازم و ضروری است که این واژه را با معنا و محتوای اسلامی عرضه کنیم و آن‌را تا حد امکان بصورت نمادی دینی مطرح کنیم تا نشان دهیم که معنویت، امری اسلامی و دینی مطرح کنیم تا نشان دهیم که معنویت، امری اسلامی و دینی است و نباید استفاده سکولار از آن شود.

۳- ظهور حداکثری دینداران

در دنیای ماده‌گرای امروز که حتی مفاهیمی که می‌توانند رنگ و بوی الهی و ماورائی داشته باشند به نفع سکولاریسم مصادره می‌شوند، وظیفه متفکرین دینی چیست؟آیا باید منفعلانه عمل کنند و خود را هضم جریان الحاد و سکولار کنند، و یا با طرح مفاهیم و واژگان اسلامی و دینی ظهور و بروز حداکثری پیدا کنند و نه‌تنها هویت دینی خود را حفظ کنند بلکه در جامعه جهانی نیز در حد توان تأثیرگذار باشند چنانچه ماهیت انقلاب اسلامی چنین پیامی را به آن‌ها می‌دهد.

در صدر اسلام که تعداد مسلمانان اندک بود و جریان شرک غلبه داشت پیامبر صلی الله علیه و آله برای ظهور حداکثری مسلمانان در جامعه و تمایز آن‌ها (حتی در ظاهر) دستور داده بودند که مسلمانان محاسنشان را رنگ کنند تا در ظاهر از یهودیان متمایز شوند. این دستور حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که جریان اسلامی نه‌تنها در باطن و محتوی بلکه در ظاهر نیز باید بروز و ظهور داشته باشد و در مقابل جریان‌های ضد دینی یا غیردینی فعال عمل کند.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله لزوم بازنگری به واژه سلامت معنوی و دقت در واژه معنویت مد نظر بود.

این مقاله که با هدف ارائه یک بررسی درباره واژه معنویت و سلامت معنوی و مقایسه آن با واژه دینی و سکولار صورت پذیرفت نشان داد که واژه"معنویت" با واژه "دینی" مترادف نیست و نیز مقابل واژه "سکولار" قرار نمی‌گیرد بلکه جهتی دو سویه دارد.

سکولاریسم که از قرن حدود قرن پانزدهم یک جریان تمدنی را آغاز کرد و در قرن هیجدهم به یک تمدن تبدیل شد، اکثر روزنه‌های فکری، گرایشی و عملی انسان غربی را به سوی عالم ماوراء، خداوند و جهان آخرت مسدود کرد و جامعه خود را وارد فضای متوهمانه‌ای کرد که می‌خواست بدون خداوند و توجه به ماوراء به سعادت و خوشبختی برسد.

این جریان که بر غرب مسلط شده بود طولی نکشید که جامعه خود را دچار بحران‌های اجتماعی و روحی-روانی دید. و

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]

درصدد برآمد تا بر بحران‌های خود ساخته‌اش فائق آید، اما بـدون خداوند، آخرت، و دسـتورات وحیـانی. بـه‌همـین جهـت موضـوع معنویت و در پی آن "سلامت معنوی" را مطرح کرد تـا هـم مـرز خود را با دین حفظ کند و هم از بحران دنیازدگی که خود مسبب آن بود نجات پیدا کند.

اما آنچه بر متفکران دینی لازم و واجب است و بایـد مراقـب آن باشـند جلـوگیری از تفسـیر و تبیـین غلـط از معنویـت و سـلامت معنوی است. و اینکه نگذارند جریان مادی‌گرای غرب این واژه را بـا محتوای دنیاگرایانه به نفع جریان سکولاریستی خود مصادره کند.

پیشنهاد شد این واژه که در محتوا و حقیقتش بـدون دیـن و خداوند متعال قابل تحقق نیست، و اعتقـاد متفکـرین دینـی نیـز همین است، در عنـوان نیـز مقیـد بـه دیـن و اسـلام شـود تـا از سوءاستفاده نااهلان و نامحرمان، در حد امکـان، در امـان بمانـد و مسیر واقعی خود را پیدا کند.

منابع

1. Deshiri M. The first alphabetic dictionary of the Persian language. Tehran: Soroush; 1995. [In Persian]
2. Bateni M. Language and thinking. Tehran: Agah; 2021. [In Persian]
3. Saidi Roshan MB. Analysis of Quranic Language and Methodology of its Understanding, Hoza and University Research Institute. Islamic Thought Research Institute Publishing Organization; 2019. [In Persian]
4. Izutsu T. God and Man in the Qur'an. translated by Ahmad Aram. Tehran: Islamic culture publishing office; 2010. [In Persian]
5. William Halsey Hall L. History and Philosophy of Science. translated by Abdul Hossein Azarang. Tehran: Soroush; 1990. [In Persian]
6. Shapiro J. Liberalism, its meaning and history. Translated by Mohammad Saeed Hanai Kashani. Tehran: Markazi Publication; 2010. [In Persian]
7. Randall H. The Evolution of Modern Intelligence. Translated by Abolqasem Payandeh. Tehran: Amir Kabir; 1997. [In Persian]
8. Tabatabai MH. Al-Mizan. Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya; 1983.
9. Hamilton M. Sociology of Religion. translated by Mohsen Teri. Tehran: Tebian; 1998. [In Persian]
10. McInerny R. Modernity and Religion. University of Norte Dame Peress; 1994.
11. Stace W. New Religion and Attitude. translated by Ahmed Reza Jalili. Hikmat; 1998. [In Persian]
12. The Oxford Dictionary of Synonyms and Antonyms (Oxford Quick Reference) 2nd Edition. Oxford: Oxford University Press; 2007.
13. Barbour I. Issues in Science and Religion. Harper and Row; 1960.
14. Tammi A. Islam and Secularism in the Middle East. New York: New York University Press; 2000.
15. Jafari M. Modern spirituality from the perspective of religious intellectuals. Tehran: Imam Khomeini educational and research institute; 2019.
16. Sheldrake P, Qhanbari H. Spirituality and theology. Journal of Seven Heavens 2001; 3(9-10): 243-272.
17. Casaldaliga P. Spirituality of Liberation. translated from the Spanish by Paul Burns. Burns & Oates Ltd; 1994.
18. Melkian M. The Spirituality of the Gem of Religions, Sunt and Secularism. Tehran: Sarat; 2001.
19. Tabatabai MH. Al-Mizan. Qom: Dar al-Kitab al-Islamiya, 4th edition; 1983.

A Reflection on the Word Spiritual Health

Abstract

Background: Since formation of the secularism movement in the West, several ideologies, viewpoints, and. has been encroached on the traditional values of Islamic countries, some of them challenging the traditional Islamic values. The objective of this essay is a critical analysis of the term "spiritual health" which has been introduced to the Iranian academic and medical literature in the recent decade. The main focus of this article is an analysis of the meaning and connotations of this new terminology and its relationship with Islamic values. We shall conclude by discussing three rationales for prudence of adjoining the adjective "Islamic" to the combination "spiritual health" in Iranian academic literature .

Methods: In this series of studies, an analytic-descriptive methodology is employed and the concept is discussed and critically analyzed through definitions of spirituality and spiritual health .

Results: It can be argued that the term "spirituality" in both Western and Persian literature has a secularism connotation and may be used in conjunction with the adjective: "secular". Moreover, the combination of "spiritual health" seems rather ambiguous and is most likely to be used in a secularist context .

Conclusion: Abstract terminology can form a breeding ground for development of certain ideologiesand a carrier for ideological beliefs and cultural values of those who introduce them. Therefore, using the combination "Islamic Spiritual Health" is proposed for safeguarding against misinterpretation and preservation of our cultural and literal autonomy, and resistance to passivism towards the Western secular ideology .

Keywords: Health, Islam, Spirituality

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-15]